

دوفصلنامه علمی - پژوهشی

**«جغرافیای اجتماعی شهری»**

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

**بررسی عوامل موثر بر افزایش مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله‌ای  
(مطالعه موردی: نورآباد دلفان)<sup>۱</sup>**دکتر کرامت‌اله زیاری<sup>۲</sup>

استاد گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

احمد حاتمی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سحر مصباحی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران

**چکیده**

پژوهش حاضر با هدف شناخت عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی با تأکید بر احساس تعلق محله‌ای در شهر نورآباد دلفان انجام گرفت. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و با استفاده از ابزار پرسشنامه بوده است حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نمونه برآورد شد. روش انتخاب نمونه‌ها به استناد به طرح جامع سال ۱۳۹۰ شهر نورآباد که این شهر را به ۳ ناحیه و ۱۴ محله تقسیم کرده، از هر ناحیه ۲ محله و جمعاً ۶ محله به صورت تصادفی ساده بوده است. پرسشنامه‌ها به صورت مساوی بین این محلات تقسیم شد. پس از جمع‌آوری اطلاعات، اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که بین متغیرهای زمینه‌ای شامل (جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، میزان درآمد، مدت زمان سکونت در محله) با آمادگی برای مشارکت رابطه معنادار وجود دارد. به این صورت که تحصیلات بالاتر افراد برابر است با درک بالاتر افراد از مزایای مشارکت و پایگاه شغلی بهتر برابر است با انگیزه بالاتر افراد در فرآیند مشارکت، میزان درآمد بالاتر برابر است با قدرت مانور بیشتر افراد در فرآیند مشارکت و سال‌های سکونت بیشتر برابر است با احساس هویت محله‌ای بیشتر و آمادگی بالاتر برای مشارکت، و هم چنین بین متغیرهای اصلی پژوهش (احساس تعلق محله‌ای، احساس امنیت محله‌ای) با آمادگی برای مشارکت رابطه معنادار وجود داشت و حس تعلق به محله موجب مسئولیت‌پذیری افراد و در نهایت آمادگی برای فعالیت‌های مشارکتی می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** مشارکت اجتماعی، احساس تعلق محله‌ای، احساس امنیت محله‌ای، شهر نورآباد.

<sup>۱</sup> - صفحات: ۸۶-۶۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۸/۲۰

DOI: 10.22103/JUSG.2018.1953

zayyari@ut.ac.ir

<sup>۲</sup> - نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول

## مقدمه

افزایش جمعیت شهری در جهان و به ویژه در کشورهای در حال توسعه علیرغم اعتقاد بسیاری از محققان مبنی بر اینکه این افزایش جمعیت با رشد و توسعه اقتصادی همراه بوده است. مسائل و مشکلات عدیده ای از جمله تمرکز بیش از حد و فعالیت در کلانشهرها، توسعه ناموزون، افزایش تفاوت‌ها و نابرابری‌های منطقه‌ای را در بر داشت (زبر دست، ۱۳۸۳: ۳). از جمله مشکلات به وجود آمده در شهرها بی‌علاقگی، بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی افراد و نداشتن مشارکت در طرح‌ها و برنامه‌های توسعه و هم پیوندی‌های اجتماعی در محیط زندگی آنها است. بدون شک توسعه اجتماعی مستلزم مشارک‌های مردمی در ابعاد مختلف است و در واقع بدون مشارکت نمی‌توان به توسعه اجتماعی مردم محور، فراگیر و پایدار دست یافت. در فرایند توسعه اجتماعی، مشارکت آحاد جامعه مد نظر است و شهروندان قطع نظر از تعلقات قومی و علائق اعتقادی شان، امکان می‌یابند تا با توجه به صلاحیت و توانمندی ذهنی‌شان، در تمام پدیده‌ها و متغیرها اثر گذار باشند (آبدیز، ۲۰۰۶: ۱۳۷).

مشارکت امروزه یکی از شاخص‌های رهبری و بلوغ سازمانی جامعه محسوب می‌شود (قدرجانی و قیطرانی، ۱۳۹۱). مشارکت علاوه بر اینکه باعث موفقیت مردم در فعالیت‌های خودگردان و خود تنظیمشان می‌شود، اعتماد، مهارت‌ها و دانش مردم را که محصول نهایی مشارکت است افزایش می‌دهد (رسولی، ۱۳۹۵: ۱۲). تازه ترین زمینه‌ی مشارکت، مشارکت شهروندان در امور شهر است. این نوع مشارکت یکی از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق می‌یابد که شهرنشینان از حالت فردی که صرفاً در مکانی به نام شهر زندگی می‌کنند، در آیند و به (شهروند) بدل شوند. مشارکت شهری متاثر از عوامل گوناگون است. که باید در اتخاذ رویکرد مشارکتی شهری و برنامه ریزی‌های شهری مورد توجه قرار گیرند. از جمله عوامل می‌توان به نیت و قصد مشارکت کنندگان، انگیزه آنان از مشارکت شهری انتظارات مشارکت کنندگان از نتایج و پاداش‌های مشارکت و سرانجام امکانات و شرایط مشارکت شهری اشاره کرد. مجموعه این عوامل و سایر عوامل دیگری که می‌تواند وجود داشته باشد، بر شکل

گرفتن مشارکت شهری و ماهیت مشارکت شهری موثرند (علوی تبار، ۱۳۸۰: ۷۶). در امر توسعه هم توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن به عنوان یکی از عوامل اصلی در جوامع در حال توسعه قلمداد شده است. و در بررسی و ارزیابی این برنامه ها عدم بهره گیری از مشارکت مردمی به عنوان عامل اصلی شکست برنامه های توسعه ارزیابی شده است (ورب و همکاران، ۱۹۹۵). بنابراین در انجام استراتژی های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به عنوان نیاز اصلی بشر تأکید شده است. مردم باید به طور دائمی و در جریان برنامه ریزی، تأمین مالی، اجرا و ارزیابی طرح های توسعه مشارکت داشته باشند. توسعه اجتماعی بیش از مشارکت فردی بر مشارکت جمعی مردم تأکید دارد. در این صورت جمعیت ها، سازمان ها و نهادهای مردمی، شرکت کنندگان اصلی در فرایند توسعه می باشند (UNDP, 2011).

توجه به این مهم باعث شده که بیشتر شکست های طرح های توسعه شهری به فقدان مشارکت مردم در فرآیند طراحی و اجرای این طرح ها نسبت داده شده و از مشارکت اجتماعی و روش های تعامل مشارکتی به عنوان یکی از جنبه های ضروری توسعه حمایت کنند (زاکس، ۱۳۷۷: ۱۶). اهمیت این موضوع چنان بود که عزم محققین را برانگیخت و پژوهش هایی را در راستای شناسایی فاکتورهای جلب مشارکت شهروندان در امور مربوط به محیط زندگیشان به انجام رساندند. از جمله محققینی که این موضوع را به طور جدی دنبال کردند «مک میلان» و «چاوایس» هستند که نتیجه کار آنها نشان داد احساس تعلق مکانی می تواند اثر بسیار پر اهمیتی بر مشارکت اعضا در فعالیت های سازمان یافته جمعی داشته باشد و باعث توانمند سازی اجتماعی و بهبود شرایط زندگی در محیط شود. به لحاظ اجتماعی، دلبستگی به مکان زمینه مساعدی فراهم می کنند، تا ساکنان بر امور جاری و محلی نظارت بیشتری داشته باشند. با علاقه بیشتری به مسائل اجتماعی پیرامون خود بپردازند. و برای حل آن به مشارکت اجتماعی و عمل جمعی مبادرت کنند و با تهدیدات محیطی به مقابله نمایند. این حس عامل مهمی در شکل گیری، پایه های ارتباطی استفاده کنندگان و محیط می باشد، نهایتاً منجر به ایجاد محیط های با کیفیت نیز خواهد گردید. تعلق مکانی به رابطه شناختی با یک

محیط و یک فضای خاص اطلاق می شود. در واقع دل بستگی به مکان و رابطه نمادین ایجاد شده توسط افراد در مکان است که معانی احساسی، عاطفی و فرهنگی مشترکی به یک فضای خاص می دهد (آلمن و لو، ۱۹۹۳). از طرف دیگر مفهوم احساس امنیت اجتماعی در بر گیرنده سلامت افراد در مقابل اقدامات خشونت آمیز و رفع دغدغه های ذهنی شهروندان است و در سایه امنیت اجتماعی است که جامعه به توسعه و تکامل می رسد. وجود احساس امنیت در بین شهروندان موجب تحمل مداری، انسجام اجتماعی، وفاق اجتماعی و در نهایت ایجاد جامعه ای پویا از هر نظر می شود. بنابراین مشارکت می تواند تابعی از احساس امنیت اجتماعی باشد. از نظر یه پردازان مفهوم اجتماعی حس تعلق محله ای مک میلان و چاوایس هستند. از نظر آنها دلایل اهمیت احساس تعلق محله ای بر فرآیندهای مشارکت محله ای از رهگذر چهار مولفه قابل بررسی است.

- **عضویت:** به احساسی اشاره دارد که فرد خود را جزئی از جامعه می داند (الویرا و همکاران، ۲۰۰۸). در اولین قدم اگر فردی احساس عضویت و پیوستگی با اجتماع محله ای داشته باشد و سرنوشت و شرایط زندگی خود را در گستره ی محله ای که در آن عضویت دارد ارزیابی و درک کند. احتمال مشارکت بیشتری در کنش های جمعی محله را خواهد داشت. این عضویت را می توان به سادگی، میزان احساس یکی بودن، همگون بودن و پذیرش از طرف محله دانست، بدین معنی که فرد تا چه اندازه باور داشته باشد که از طرف دیگر اعضای محله پذیرفته شده باشد. به همین دلیل، معمولاً افراد گوشه گیر، ساکن در محله تمایل کمتری به مشارکت دارند. در مقابل افراد گوشه گیر، آن دسته از افرادی که حس قدرتمندی از عضویت دارند، احتمالاً حس مسئولیت و مشارکت محله ای بیشتر خواهند داشت (زمردیان، ۱۳۹۱: ۲۷).

- **تاثیر گذاری:** این مرحله به عنوان فرصت افراد برای شرکت در زندگی اجتماعی است و در یک رابطه دوجانبه قرار می گیرند از یک طرف بر محله تاثیر می گذارند و از یک طرف تاثیر می پذیرند (الویرا و همکاران، ۲۰۰۸). افرادی که ادعا دارند که نیازها و ارزش ها و عقاید دیگران برایشان دارای اهمیت است اغلب تاثیر گذارترین اعضا

هستند در حالی که افرادی همیشه از نفوذ برای تسلط بر دیگران استفاده می‌کنند و خواسته‌ها و نظرات سایر اعضا را نادیده می‌گیرند دارای کمترین تاثیر در محله هستند (مک میلان و چاوویز، ۱۹۸۶). به صورت مشخص اگر افراد احساس نفوذ و تاثیر گذاری بیشتری بر محله‌ی خود داشته باشند، و کنش خود و هزینه و زمانی را که صرف مشارکت در کارهای محله می‌کنند. ثمر بخش ارزیابی کنند. احتمال همراهی فعال آنها در طرح‌ها و برنامه‌های که برای توسعه‌ی محله‌ی آنها ارائه شده است. به شکل چشم گیری افزایش پیدا می‌کند.

- **تحقق نیازها:** مولفه‌ی تحقق نیازها به عنوان سومین مولفه‌ی حس تعلق محله‌ای بر ارضای نیازهای واقعی اعضای محله تاکید دارد. در واقع، مولفه‌ی تحقق نیازها وقتی بهبود پیدا می‌کند که ساختار اجتماعی و فیزیکی محله قادر باشد، نیازهای ابتدایی و ثانویه ساکنان خود را برآورده کند. تاثیر مولفه‌ی تحقق نیازها بر مشارکت محله‌ای هم بدین شکل قابل تبیین است. که هنگامیکه اعضای محله به شکل روشنی به این نتیجه برسند که بخشی از نیازهای محله‌ای آنها در محله قابل دسترسی است. تمایل بیشتری به تهیه آنها در محله خواهند داشت. این امر بخشی از ارتباطات اجتماعی را دامن می‌زند و رفته رفته تقویت می‌کند. تقویت ارتباطات اجتماعی خود زمینه‌ی بروز و شکل گیری فرآیندهای مشارکتی را به دنبال دارد.

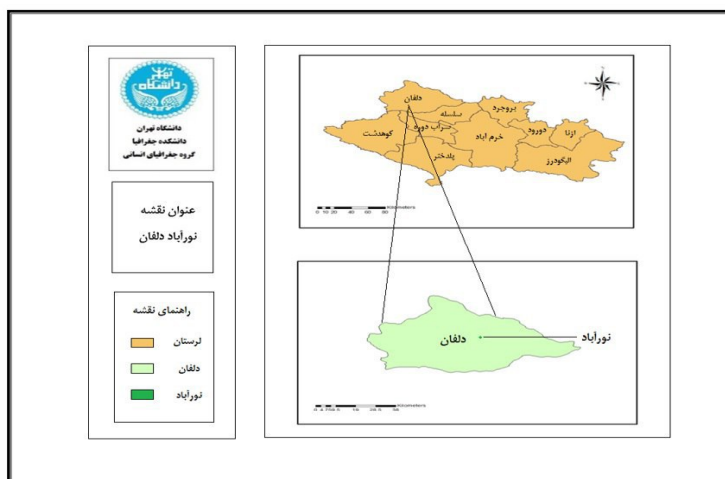
- **پیوندهای عاطفی:** پیوندهای عاطفی شاید احساسی‌ترین و روان‌شناختی‌ترین مولفه در بین چهار مولفه حس تعلق محله‌ای باشند. پیوندهای عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع محله‌ای و محیط اطراف خود می‌شود. این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد. در واقع، گزینه‌ی پیوندهای عاطفی به ساده‌ترین شکل ممکن بیان می‌دارد که اگر فردی محله‌ای را که در آن زندگی می‌کند. به لحاظ عاطفی دوست داشته باشد. احتمال آنکه آمادگی بیشتری برای مشارکت در کارهای محله داشته باشند، افزایش پیدا می‌کند (زمردیان، ۱۳۹۱).

با توجه به اهمیت موضوع تا کنون تحقیقات گسترده‌ای در این رابطه انجام شده است. از جمله، الویرا و همکاران (۲۰۰۸)، در پژوهشی تحت عنوان مشارکت اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی و سلامت اجتماعی به هدف بررسی رابطه بین مشارکت اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی بین ۳ دسته از دانشجویان آمریکایی ایتالیایی و ایرانی انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که دانشجویان آمریکایی نسبت به دانشجویان ایتالیایی و ایرانی دارای آمادگی مشارکت اجتماعی بیشتری هستند و هم چنین در این پژوهش مشخص شد که دانشجویان ایرانی بیشتر در فعالیت های مشارکتی مانند گردهمایی ورزشی، تفریحی، شرکت در نشست‌های عمومی و هم چنین مشارکت در حل مسائل محله ای شرکت دارند. همچنین فالونگ (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان محله، دلبستگی، مشارکت اجتماعی و تمایل اقامت در محلات کم درآمد چین نتیجه گرفت که مهاجران کم درآمد روستایی علی‌رغم اینکه از فعالیت های اجتماعی محروم هستند و در محلات پایین شهر زندگی می کنند اما تمایل قوی برای اقامت در این محلات را دارند و هم چنین مشخص شد که مهاجران هر چند تمایل قوی برای اقامت دارند اما چون دغدغه های اقتصادی زیاد دارند در نتیجه مشارکت اجتماعی در محله برای آنها کم رنگ است. صدیق سروستانی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد به این نتیجه دست یافتند که احساس امنیت در محله با افزایش مشارکت در روابط همسایگی به عنوان یکی از منابع سرمایه اجتماعی محله ای همراه است. همچنین ابراهیمی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان سنجش تعلق محله ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی محله زینبیه شهر تهران به این نتیجه رسیده اند که بین تعلق محله ای و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد به گونه‌ای که بین مشارکت اجتماعی ساکنین در محله زینبیه با تعلق خاطر آنان به این محله رابطه معنی دار قابل مشاهده است. قاسمی و همکاران (۱۳۸۹)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی تاثیر حس تعلق در بافت محلی با تاثیر مشارکت اجتماعی در جلفای اصفهان به این نتیجه رسیده اند، که بین حس تعلق محله ای و آمادگی برای مشارکت رابطه وجود دارد. همچنین

رضازاده و علمی (۱۳۹۴)، در پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین دانش آموزان متوسطه شهر شوط این نتیجه دست یافتند که بین میزان احساس امنیت جانی و میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش آموزان دبیرستان‌های شهر شوط رابطه وجود دارد. در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال عوامل موثر برافزایش مشارکت اجتماعی با تاکید بر دو عامل احساس تعلق و امنیت محله‌ای در شهر نورآباد دلفان می‌باشد.

### داده‌ها و روش‌شناسی

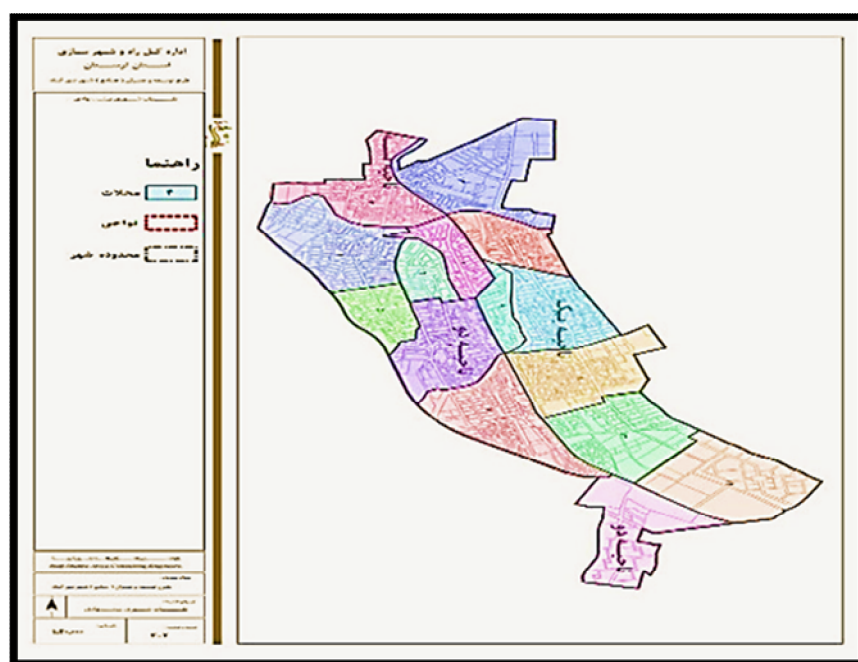
شهر نورآباد به عنوان مرکز شهرستان دلفان در مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه و ۵۸ دقیقه طول شرقی و ۳۴ درجه و ۴ دقیقه عرض شمالی و در ارتفاع ۱۷۸۵ از سطح دریا با مساحت ۵۸۴ هکتار در فاصله ۸۴ کیلومتری شمال مرکز استان لرستان یعنی شهر خرم‌آباد و ۹۵ کیلومتری جنوب‌شرق شهر کرمانشاه قرار گرفته است.



شکل ۲- نقشه قلمرو پژوهش

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل کلیه شهروندان شهر نورآباد لرستان می‌باشد. که تعداد آنها بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، (۶۲۱۹۰) نفر بوده است. نمونه گیری آماری مورد مطالعه بر اساس فرمول شارل کوکران انجام شده است. حجم نمونه مطابق این فرمول ۳۸۴ نفر برای این پژوهش انتخاب شده است. در این

پژوهش بر اساس طرح جامع شهر نورآباد این شهر را به سه ناحیه و چهارده محله تقسیم کرده است (مهندسین مشاور هفت شهر آرایا، ۱۳۹۰) از هر ناحیه دو محله (ناحیه یک محله بهارستان و بیست چهار متری طالقانی، ناحیه دو محله جهادگران و محله پاسداران و ناحیه سه محله آزادگان و محله فرهنگیان) به صورت تصادفی ساده انتخاب شده و پرسشنامه‌ها به صورت مساوی هر محله ۶۴ پرسشنامه توزیع شده است. بعد از جمع آوری پرسشنامه‌ها، با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و استفاده از آزمون‌های T تست و آنالیز واریانس یک طرفه، آزمون پیرسون و رگرسیون چندگانه استاندارد به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شد.



شکل ۲- نقشه نواحی شهر نورآباد بر اساس طرح جامع سال ۹۰

همچنین در این پژوهش برای سنجش پایایی از ابزار اندازه‌گیری، از آلفای کرونباخ استفاده شد. یکی از رایج‌ترین شاخص‌های همسانی درونی ضریب آلفای کرونباخ است. به طور ایده آل ضریب آلفای کرونباخ یک مقیاس بایستی بالای (۰.۷) باشد. در این پژوهش مقدار آلفای کرونباخ همان طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود برای



هر سه گروه متغیر مقادیر ضریب آلفا بیشتر از (۰.۷) می باشد که گویای همسانی درونی خوب در بین متغیرها است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونیخ

متغیر مستقل	ضریب آلفا
احساس تعلق محله ای	۰.۸۳۸
امنیت محله ای	۰.۷۴۴
مشارکت اجتماعی	۰.۸۰۷

## بحث

از آنجا که جنسیت یک متغیر اسمی دو بعدی است (مرد، زن) و متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) در سطح سنجش فاصله‌ای اندازه گیری شده است. بنابراین برای اندازه گیری رابطه بین دو متغیر از آزمون (T-test) استفاده شده است. با توجه به آزمون t صورت گرفته و اطلاعات به دست آمده مشاهده می شود که سطح معنی داری آزمون لون بیشتر از ۰.۵ می باشد یعنی واریانس ها برابر می باشند. بنابراین، باید سطر اول داده ها خوانده شود، که در این حالت (سطح معناداری  $\text{Sig}=0.000$ ) می باشد، که کمتر از مقدار پذیرفته شده یعنی (۰.۵) است و این نشان می دهد که با سطح اطمینان ۹۵ درصد تفاوت آماری معناداری بین دو گروه زنان و مردان مشاهده شده است، با توجه به تفاوت میانگین مشاهده می شود که میانگین مشارکت اجتماعی در بین مردان بیشتر از زنان است و گروه مردان آمادگی بیشتری برای مشارکت از گروه زنان دارند.

جدول ۲- آزمون تی تست بین جنسیت و آمادگی برای مشارکت

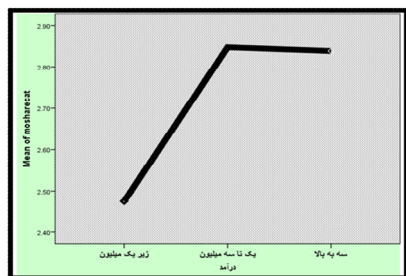
Independent Samples Test										
-	Levene's Test for Equality of Variances		t-test for Equality of Means							
	-	.f	Sig	t	dft	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	Std. Error Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
									Lower	Upper
مشارکت	Equal variances assumed	.082	.774	3.979	382	.000	.12922	.03247	.06537	.19307
	Equal variances not assumed			3.980	379.541	.000	.12922	.03247	.06538	.19306

متغیرهای زمینه‌ای دیگر در این پژوهش عبارتند از سن افراد، مدت زمان سکونت افراد در محله، وضعیت شغلی و تحصیلات افراد و برای بررسی رابطه این متغیرها با متغیر وابسته یعنی آمادگی برای مشارکت اجتماعی از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شده است نتایج به دست آمده در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد بین سن و آمادگی برای مشارکت رابطه معنی داری وجود دارد و چون سطح معنی داری کمتر از (۰.۵) است بنابراین می‌توان گفت به با احتمال ۹۵ درصد سن افراد بر آمادگی مشارکت آنها تاثیر گذار است. از دیگر متغیرهای زمینه‌ای مدت زمان سکونت افراد است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که رابطه معنی داری بین مدت زمان سکونت و آمادگی برای مشارکت وجود دارد و چون مقدار  $f$  مثبت است بنابراین می‌توان گفت با افزایش سال‌های سکونت میزان آمادگی برای مشارکت نیز بیشتر می‌شود و همان طور که در نمودار شمار (۲) مشاهده می‌شود بیشتر پاسخگویان بیشتر از ده سال در محله خود سکونت داشته؛ بنابراین آمادگی برای مشارکت در آنها بیشتر بوده است.

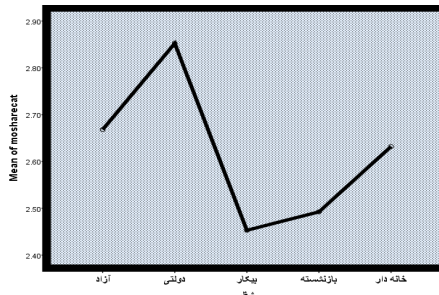
جدول ۳- آزمون آنوا بین متغیرهای زمینه‌ای و آمادگی برای مشارکت

متغیر مستقل	سطح معنی داری sig	درجه آزادی	مقدار f
سن	۰.۰۱۷	۳۸۳	۳.۴۳۹
مدت زمان سکونت	۰.۰۰۰	۳۸۳	۶.۱۱۴
میزان درآمد افراد	۰.۰۰۰	۳۸۳	۱۵.۳۶۶
وضعیت شغلی	۰.۰۰۰	۳۸۳	۵.۶۳۲
تحصیلات	۰.۰۱۳	۳۸۳	۱.۲۵۰

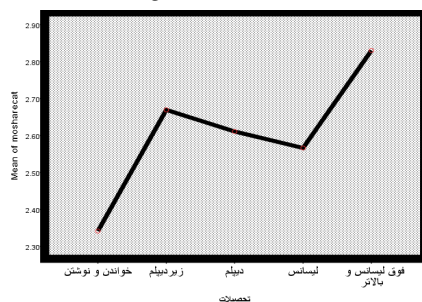
وضعیت شغلی متغیر زمینه‌ای دیگری است که رابطه آن با آمادگی افراد برای مشارکت اندازه‌گیری شده است نتایج حاصل شده از آزمون آنوا نشان دهنده رابطه معنی دار این متغیر با متغیر وابسته است و در واقع وضعیت شغلی افراد بر میزان آمادگی مشارکت آنها تاثیر می‌گذارد و همان طور که در نمودار شماره (۳) مشاهده می‌شود به ترتیب افراد با مشاغل دولتی، آزاد، خانه‌دار، بازنشسته، بیکار به ترتیب بیشترین تا کمترین میزان آمادگی برای مشارکت را دارا بوده‌اند.



شکل ۴- میزان درآمد و میانگین آمادگی برای مشارکت



شکل ۳- وضعیت شغلی و میانگین آمادگی برای مشارکت



شکل ۵- تحصیلات و میانگین آمادگی برای مشارکت

میزان درآمد افراد متغیر زمینه‌ای دیگر است که رابطه آن با آمادگی برای مشارکت اندازه گیری شده است و نتایج بدست در جدول (۳) گویای رابطه معنی دار این متغیر با متغیر وابسته است و همانطور که در شکل (۴) مشاهده می‌شود افراد با سطوح درآمدی (سه میلیون به بالا، یک تا سه میلیون، زیر یک میلیون) به ترتیب از بیشترین تا کمترین آمادگی برای مشارکت برخوردار بوده‌اند.

میزان تحصیلات متغیر زمینه‌ای بعدی است که تاثیرش بر متغیر وابسته (آمادگی برای مشارکت) اندازه‌گیری شده است نتایج به دست آمده در جدول شماره (۳) گویای رابطه معنی دار بین متغیر مستقل و متغیر وابسته است و تفصیل این رابطه در نمودار شماره (۵) مشخص شده است و همان طور که مشاهده می‌شود افراد با سطح سواد بالاتر مثل فوق لیسانس و بالاتر داری آمادگی بیشتری برای مشارکت از افرادی با سطح سواد پایین تر مثل خواندن و نوشتن بوده‌اند.

### بررسی رابطه احساس تعلق محله‌ای، احساس امنیت محله‌ای با مشارکت اجتماعی

در ادامه به بررسی رابطه بین متغیرهای اصلی پژوهش یعنی احساس تعلق محله‌ای و احساس امنیت محله‌ای با متغیر وابسته (آمدگی مشارکت) پرداخته شده است. برای بررسی این رابطه از آزمون پیرسون استفاده شده است. نتایج بدست آمده در جدول (۴) نشان می‌دهد، که بین احساس تعلق محله‌ای با آمدگی مشارکت رابطه معنی داری وجود دارد و مقدار ضریب پیرسون ۰.۶۷۱ می‌باشد که طبق ملاک‌های مشخص شده توسط کوهن (۱۹۸۸) گویای رابطه قوی و مثبت بین این دو متغیر است پس با افزایش حس تعلق محله‌ای آمدگی مشارکت نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۴- آزمون پیرسون بین احساس تعلق محله‌ای، احساس امنیت محله‌ای با آمدگی مشارکت

متغیر مستقل	سطح معناداری	ضریب پیرسون	تعداد نمونه
احساس تعلق محله‌ای	۰.۰۰۰	۰.۶۷۱	۳۸۴
احساس امنیت محله‌ای	۰.۰۱۷	۰.۱۲۲	۳۸۴

احساس امنیت محله‌ای متغیر اصلی دیگری است که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته جدول (۴) نشان دهنده رابطه معنادار این متغیر با متغیر وابسته است و ضریب پیرسون برای این متغیر ۰.۱۲۲ است که طبق ملاک‌های تعیین شده توسط کوهن این رابطه مثبت اما کوچک می‌باشد بنابراین می‌توان هر چه افراد احساس امنیت بیشتری داشته باشند تمایل بیشتری برای آمدگی مشارکت دارند.

### رگرسیون چندگانه استاندارد

در این مرحله ما می‌خواهیم بدانیم که کدام یک از متغیرهای مستقل بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) داشته است. و برای این کار از بتاهای استاندارد شده استفاده شده است. بزرگ بودن مقدار بتا، نشان دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیش‌بینی متغیر وابسته است. بدین منظور داده‌ها در جدول زیر خلاصه شد، احساس تعلق محله‌ای با مقدار بتا (۰.۶۷۲) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته آمدگی مشارکت داشته است و احساس امنیت محله‌ای نیز با مقدار بتای (۰.۱۲۷) و سطح معناداری (۰.۰۰۱) داری تاثیر کمتری نسبت به احساس تعلق محله‌ای

است. بنابراین میزان تاثیر متغیرهای پیش بین ما برای پیشگویی متغیر وابسته به ترتیب ۴۵ درصد برای احساس تعلق محله‌ای و ۱.۶۳ درصد برای احساس امنیت اجتماعی می‌باشد. یعنی ۴۵ درصد از تمایل افراد برای مشارکت اجتماعی تحت تاثیر متغیر احساس تعلق محله‌ای است و احساس امنیت اجتماعی نیز سهم ۱.۶۳ درصدی در این روند دارد.

جدول ۵- آزمون رگرسیون چندگانه بین احساس تعلق محله‌ای، احساس امنیت محله‌ای با مشارکت

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تبیین	ضریب تبیین تعدیل شده	انحراف معیار استاندارد
۱	۰.۶۸۳ <sup>a</sup>	۰.۴۶۶	۰.۴۶۳	۰.۵۶۴۵۸
a. Predictors: (Constant), amniatmahale, ehsastaalokmahale				
b. Dependent Variable: mosharekatmahlei				

منظور از R میزان برآورد واریانس آمادگی برای مشارکت است که توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌گردد. در این تحقیق مطابق جدول (۶) مقدار مجذور R کلی برای مدل در این پژوهش ۰.۴۶ یا ۴۶ درصد واریانس تبیین شده است. نتایج این مدل نشان می‌دهد که ۴۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته مشارکت اجتماعی توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

جدول ۶- مدل رگرسیونی تحقیق

متغیر مستقل	مقدار بتای استاندارد شده	سطح معناداری	مقدار T
احساس تعلق محله‌ای	۰.۶۷۲	۰.۰۰۰	۱۷.۹۸۴
احساس امنیت محله‌ای	۰.۱۲۷	۰.۰۰۱	۳.۴۰۴

### نتیجه‌گیری

مشارکت از الزامات زندگی شهری است و هنگامی تحقق پیدا می‌کند که شهرنشینان از حالت زندگی فردی در آمده و با احساس مسئولیت جمعی به شهروند بدل شوند. برای پاسخگویی به نیازهای توسعه شهری و توجه به سهم آیندگان، به ناچار باید اداره‌ی امور زندگی شهری را بر مبنای الگوی مشارکت هدفمند، آگاهانه و داوطلبانه شهروندان برنامه‌ریزی کنیم. اما مطالعات نشان داده است که فاکتورهای مختلفی در تحقق امر مشارکت اجتماعی دخالت دارد چنانکه پیشنه این پژوهش نشان داد می‌توان

گفت با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی هر شهر دسته‌ای از عوامل در تحقق این امر مهم می‌افتد که از مهمترین آنها می‌توان به ویژگی‌های فردی همچون جنسیت، سن، تحصیلات و... می‌باشد و از عوامل اجتماعی مهم دیگر مشارکت اجتماعی حس تعلق به مکان بوده است. به دنبال تایید همین موضوعات پژوهش حاضر نیز به بررسی عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی در بین محلات شهر نورآباد از دو عامل احساس تعلق محله‌ای که برای بسط این عامل به موضوع تحقیق از چهارچوب نظری مک میلان و چاوایس که یک نظریه چهار مولفه‌ای اعم از عضویت، اثرگذاری، برآوردن نیازها و همبستگی عاطفی است استفاده شده است؛ همچنین، عامل دوم احساس تعلق محله‌ای است که عاملی مهمی در روابط گرم و کارا در بین اعضای جامعه است که تحمل و مدارای اجتماعی، انسجام و وفاق اجتماعی و در نهایت نظم اجتماعی پویا را ممکن می‌سازد، استفاده شده است.

علاوه بر این دو عامل متغیرهای زمینه‌ای اعم از جنسیت، سن، تحصیلات، شغل، میزان درآمد و میزان سال‌های سکونت در محله نیز در این پژوهش در نظر گرفته شد که پس از روش تحقیق اجرا شده و نتایج به دست آمده مشخص شده که رابطه معنی داری بین جنسیت افراد و آمادگی آنها برای مشارکت اجتماعی وجود دارد بر اساس اعداد ارقامی که از آزمون T تست حاصل شد که عبارت است (سطح معناداری  $\text{sig}=0.000$ ) و مقدار ( $T=3.979$ ) نمایانگر معناداری این رابطه بود و با توجه به میانگین‌های بین گروهی مشخص شد که آمادگی مشارکت در بین گروه مردان بیشتر از زنان است. هم‌چنین بین متغیر سن و آمادگی برای مشارکت نیز رابطه معناداری مشاهده شد، نتایج به دست آمده از آزمون آنوا برابر است با سطح معناداری ( $\text{sig}=0.017$ ) و مقدار ( $F=3.439$ ) که حکایت‌گر رابطه معنادار بین سن افراد و آمادگی آنها برای مشارکت است و در مورد رابطه متغیر تحصیلات افراد و مشارکت نتایج آزمون آنوا با سطح معنی داری  $\text{sig}=0.013$  معنی دار بودن این رابطه را تایید کرد و مشخص شد که به ترتیب افراد با سطح سواد بالاتر دارای آمادگی بیشتری برای مشارکت نسبت به افراد با سطح سواد پایین تر می‌باشند. بنابراین تحصیلات بالای

افراد برابر است با درک بالاتر افراد نسبت به مزایای مشارکت اجتماعی متغیر زمینه ای دیگر وضعیت شغلی افراد بود که نتایج آزمون با (سطح معنی داری  $\text{sig}=0.000$ ) نشان داد رابطه معنی داری با آمادگی مشارکت افراد دارد و هم چنین به تفکیک معلوم گردید که به ترتیب افراد با شغل دولتی، آزاد، خانه دار، بازنشسته، بیکار دارای بیشترین تا کمترین میزان آمادگی برای مشارکت هستند بنابراین اشتغال عامل مهمی است که در صورت مهیا بودن برای افراد باعث افزایش اعتماد به نفس افراد شده و آنها را متمایل به مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی می‌کند. متغیر بعدی میزان درآمد افراد بوده است که با توجه به سطح معناداری به دست آمده (سطح معنی داری  $\text{sig}=0.000$ ) مشخص شد که رابطه معناداری با آمادگی مشارکت افراد دارد در این رابطه افرادی که دارای سطح درآمد بالاتر بودن (سه میلیون و بالاتر) نسبت به افراد با سطح درآمد کمتر (زیر یک میلیون) دارای میزان آمادگی بیشتری برای مشارکت بودن پس میزان در آمد عامل مهم دیگری است که می‌تواند قدرت مانور افراد را در فعالیت‌های مشارکتی بالا ببرد. متغیر زمینه ای آخر میزان سکونت افراد در محله بوده است که نتیجه آزمون آنها با (سطح معناداری  $\text{sig}=0.000$ ) تایید کرد که رابطه معناداری با آمادگی مشارکت دارد بنابراین می‌توان گفت با افزایش سال‌های سکونت میزان آمادگی برای مشارکت نیز بیشتر می‌شود و این مهم بر می‌گردد به شناختی که افراد در سال‌های سکونت خود از محله به دست می‌آورند و هویتی که برای آنها در آن محله رقم می‌خورد که منجر به آمادگی برای هر گونه فعالیت مشارکتی در محله می‌شود.

برای تعیین رابطه دو متغیر احساس تعلق محله ای و احساس امنیت محله ای با آمادگی مشارکت از آزمون پیرسون استفاده شد که نتایج بین احساس تعلق محله ای با سطح معنی داری ( $\text{sig}=0.000$ ) و ضریب پیرسون ( $r=0.671$ ) تایید کرد که رابطه معنی دار مثبت و قوی بین احساس تعلق محله ای وجود دارد و افرادی که خود را متعلق به محله دانسته در قبال آن احساس مسئولیت کرده و آماده مشارکت در امور محله بوده اند. احساس امنیت محله ای نیز با سطح معنی داری ( $0.017$ ) و ضریب پیرسون ( $0.122$ ) رابطه معنادار و مثبت و کوچکی با آمادگی مشارکت دارد و در واقع احساس

امنیت محله‌ای می‌تواند به عنوان یکی از عواملی باشد از طریق افزایش اعتماد افراد به سایر اعضا به عنوان مجوز ورودی به گروهها و انجمن‌ها و فعالیت‌های مشارکت باشد در این پژوهش برای میزان تاثیر واقعی متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از آزمون بتای استاندارد شده استفاده شد که معلوم گردید احساس تعلق محله‌ای با ۴۵ درصد و احساس امنیت محله‌ای با ۱.۶۳ تاثیر مستقیم بر آمادگی مشارکت داشته‌اند و در کل تحقیق ما ۴۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته (آمادگی مشارکت) را تبیین کرد.



## فهرست منابع

۱. ابراهیمی، نگار. (۱۳۹۲). حس تعلق محله‌ای و نقش آن در مشارکت اجتماعی در محله‌های شهر تهران (مطالعه موردی: منطقه ۱۳ شهرداری تهران). معاونت امور اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
۲. رسولی، رقیه. (۱۳۹۵). بررسی عوامل موثر بر مشارکت ساکنین در بهسازی-نوسازی بافت فرسوده (نمونه موردی: محله ورداورد، منطقه ۲۱ شهر تهران). شانزدهمین همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، ۱۲ و ۱۳ مهرماه ۱۳۹۵، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۳. رضا زاده، مهدی. علمی، محمود. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین احساس امنیت اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه شهر شوط. مطالعات جامعه‌شناسی، سال ششم، شماره بیست سوم.
۴. زاکس، ولفگابگ. (۱۳۷۷). نگاهی نو به مفاهیم توسعه. ترجمه فریده فرهی و فرید بزرگی، نشر مرکز.
۵. زبردست، اسفندیار. (۱۳۸۳). اندازه شهر. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
۶. زمردیان، امیرحسین. (۱۳۹۱). اهمیت پرداختن به موضوع حس جمعی در طرح‌ها و پژوهش‌های توسعه محله‌ای. جستارهای شهری، شماره ۳۹-۴۰.
۷. صدیق سروستانی، رحمت‌الله. نیمروزی، نوروز. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط بین مشارکت در روابط همسایگی و احساس امنیت در محلات شهر مشهد. فصلنامه دانش انتظامی، سال دوازدهم، شماره دوم.
۸. علوی تبار، علیرضا. (۱۳۸۰). بررسی الگوهای مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهرها، جلد دوم (یافته‌های تجربی و راهبردی). تهران: انتشارات سازمان شهرداری-های کشور.
۹. قاسمی، وحید. نگینی، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر بافت محلی بر هویت اجتماعی با تاکید بر هویت محله جلفا در شهر اصفهان. مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه-ای، سال ۲، شماره ۷، صص ۱۳۶-۱۱۳.

۱۰. قدرجانی، راضیه. قیطرانی، نیما. (۱۳۹۱). بررسی روش‌های ارتقای مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (مطالعه موردی: محله جولان همدان). مجله هفت حصار، سال ۱، شماره ۲.

11. Abedi S.A. (2006). **The place of foster in development with emphasis on participation**, Journal of Ruraland Development, 137-169.[In Persian].
12. Altman, I., Low, S. (1992). **Place attachment**. New York: Plenum.
13. Elvira, C., Claudia, P., Corey, K., Joshanloo, M., Rostami, R., Nosratabadi, M. (2008). **Social Participation, Sense of Community and SocialWell Being: A Study on American, Italian and IranianUniversity Students Soc Indic Res**, 89:97–112DOI 10.1007/s11205-007-9222-3
14. Fulong, W. (2012). **Neighborhood Attachment, Social Participation, and Willingness to Stay in China's Low-Income Communities Urban Affairs Review** 48(4) 547– 570.
15. McMillan, W. D., Chavis, M. D. (1986). **Sense of community: A definition and a theory**. Journal of Community Psychology, 14, 6–22.
16. UNDP. (2011). **Human Development REPORT Office**. Available at URL: <http://www.undp>
17. Verba, S., Schlozman, K. L., & Brady, H. E. (1995). **Voice and equality: Civic volunteerism in American**.